



بررسی تطبیقی الگوی شکل‌گیری روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم و سوم

دکتر محمد یوسفی جویباری^۱

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

بررسی و تبیین روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله موضوعاتی است که پژوهشگران تاکنون به آن پرداخته‌اند یا تنها به سیاست خارجی پرداخته‌اند و این اصطلاح را به جای روابط خارجی بکار بردند. در حالیکه سیاست خارجی اعم از روابط خارجی بوده و روابط خارجی مرحله اجرایی سیاست خارجی می‌باشد. در همین راستا این پژوهش با توجه به چارچوب مفهومی هالستی تحت عنوان برون‌دادهای سیاست خارجی در قالبی جدید با یک بررسی متمایز و با تاکید بر متغیرهای چهارگانه ساختار نظام بین‌الملل، درک و نگرش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، نیازهای داخلی و وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که از دیدگاه این پژوهش مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران است، سعی در تبیین چگونگی تعریف نقش‌ها، اهداف و منافع ملی ایران در مقاطع مختلف دارد. در واقع سوال اصلی این پژوهش بر این اساس است که زمینه‌های شکل‌گیری و مشخص شدن مرزهای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های دوم و سوم بر چه اساسی بوده و نقش‌ها و اهداف و منافع ملی در تعامل با متغیرهای چهارگانه چه الگوهایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است؟ این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسناد بوده است.

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران، تبریز. ایمیل:

کلید واژه‌ها: روابط خارجی، سیاست خارجی، اهداف ملی، نقش‌های ملی، آرمان‌گرایان ایدئولوژی محور، عمل‌گرایان.

مقدمه

شکل‌گیری روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند متأثر از متغیرهای گوناگونی باشد. در همین راستا روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی را می‌توان در چندین دوره متفاوت بررسی نمود. آنچه که در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در این پژوهش قابل توجه است، تفاوت در نوع و مرزهای روابط خارجی دوره دوم یعنی حاکمیت آرمان‌گرایان ایدئولوژی محور با دوره سوم یعنی حاکمیت عمل‌گرایان با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است. در واقع هر چند در دوره حاکمیت آرمان‌گرایان ایدئولوژی محور، مفاهیمی همچون صدور انقلاب، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، و شکل‌گیری حکومت جهانی اسلام محور اصلی و مرزهای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده بود، ولی در نهایت در دوره حاکمیت عمل‌گرایان، با یک تغییر جهت اساسی در روابط خارجی با محوریت تنش‌زدایی مواجه هستیم. این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال اصلی است که: زمینه‌های شکل‌گیری و مشخص شدن مرزهای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف بر چه اساسی بوده و نقش‌ها و اهداف و و منافع ملی در تعامل با متغیرهای چهارگانه چه الگوهایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است؟ در همین راستا این پژوهش با یک رویکرد متفاوت و با تأکید بر چهار متغیر اساسی ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، نگرش نخبگان تصمیم‌گیرنده و ژئوپلیتیک

بدنبال تبیین این مسئله است. در همین راستا فرضیه پژوهش بر این مبنا است عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری روابط خارجی متفاوت دوره دوم با دوره سوم تاثیرگذاری و وزن متفاوت چهار متغیر ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، نگرش نخبگان تصمیم‌گیرنده و ژئوپلیتیک در تعریف نقش‌ها و اهداف ملی است. در واقع، تاثیرگذاری و وزن متفاوت این چهار متغیر اساسی منجر به تعریف متفاوت نقش‌ها و اهداف ملی در دوره دوم و دوره سوم و در نتیجه سمت‌گیری و در نهایت روابط خارجی متفاوت این دو دوره شده است.

۱- چارچوب مفهومی^۱

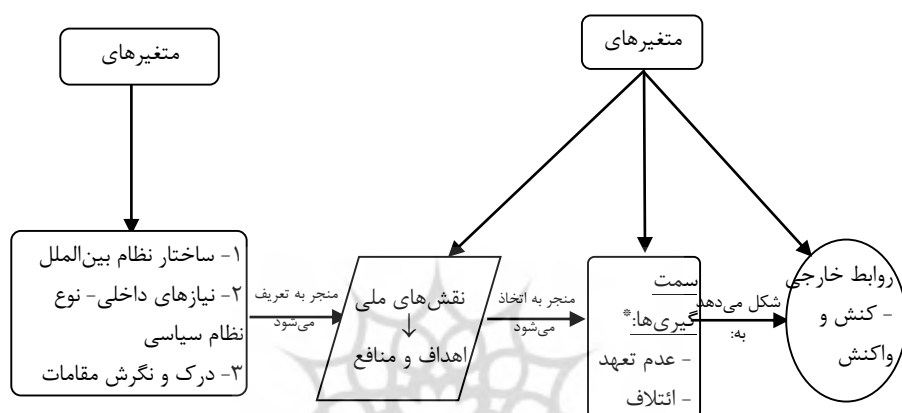
مدل مفهومی این مقاله مبتنی بر چارچوب مفهومی هالستی^۲ تحت عنوان برون‌دادهای سیاست خارجی است. به‌رحال نکته اساسی و بنیادی در مدل مفهومی پژوهش حاضر این است که ضمن اینکه آنچه که هالستی در ویژگی‌های شاخص ارائه می‌دهد و از سمت‌گیری‌ها، نقش‌های ملی، اهداف ملی و اعمال نام می‌برد، در این پژوهش به کار رفته اما چون متغیرهایی که ارائه شده است با نگرش این پژوهش و چارچوب مفهومی آن کمی فاصله دارد لذا نگرش جدیدی در این پژوهش ارائه شده است بدین صورت که از نظر هالستی متغیرهای چهارگانه، متغیرهای مؤثر در اتخاذ سمت‌گیری‌ها بوده و همه این موارد برون‌دادهای سیاست خارجی محسوب می‌شوند.

در واقع مدل مفهومی تحقیق شامل متغیرهای چهارگانه ۱- ساختار نظم بین‌الملل، ۲- نیازهای داخلی، ۳- درک و نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده و ۴-

۱. Conceptualization framework

۲. Holstein

موقعیت ژئوپلتیک بوده که موجب می‌شود نقش‌های ملی تعریف و اهداف و منافع ملی تعیین و منجر به اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها گردد و روابط خارجی را در نهایت شکل دهد. این مدل تحت عنوان مدل تعاملی در قالب یک نمودار در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار (۱): مدل تعاملی

۱-۱-۱- برون‌دادهای سیاست خارجی

نظام بین‌الملل محیطی است که دولت‌ها در آن عمل می‌کنند. هدف‌ها، خواست‌ها، نیازها، ایستارها، عرصه انتخاب و اعمال واحدهای مزبور به‌طور عمده تحت تأثیر توزیع کلی قدرت در نظام مزبور، دامنه و قواعد حاکم بر این نظام قرار دارند. اعمال یا نظرهای سیاست‌گذاران برای حل مشکل یا تغییر در محیط - یعنی در سیاست‌ها - ایستارها یا اعمال دولت یا دولت‌های دیگر، تماماً برون‌دادهای سیاست خارجی محسوب می‌شوند. در این راستا مفهوم سیاست خارجی چهار ویژگی شاخص دارد که عبارتند از (هالستی، ۱۳۷۳):

۱. سمت‌گیری‌های سیاست خارجی،

۲. نقش‌های ملی،

۳. هدف‌های ملی،

۴. اعمال و روابط خارجی^۱.

۲- دوره حاکمیت آرمانگرایان ایدئولوژی محور

به‌دنبال ملاقات آقایان بازرگان و یزدی و هیأت همراه با برژینسکی در الجزایر و استعفای بازرگان، به تدریج نیروهای انقلابی در ایران اقتدار کامل را در اختیار گرفتند که ایدئولوژی نظام اسلامی در صدر اولویت سیاست خارجی قرار گرفت. در واقع این دوره از حاکمیت را می‌توان در دو مرحله مورد بررسی قرار داد: دوره اول دوره نخست‌وزیری شهید رجایی تا زمان عزل بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور در تیرماه ۱۳۶۰ می‌باشد.

۲-۱- ساختار نظام بین‌الملل

با توجه به اتخاذ سمت‌گیری عدم‌تعهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید گفت نظام بین‌الملل مبتنی بر یک نظام دوقطبی بوده که همه دولت‌ها به نوعی تحت نفوذ دو بلوک سازش‌ناپذیر قرار داشتند. لذا با توجه به این‌که این نظام به‌دلیل حاکمیت سلطه از نظر مقامات جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نمی‌شدند و چون نظام شرق و غرب سعی در روابط سلطه‌مآبانه با جهان داشته، جمهوری اسلامی ایران سعی در تغییر این رابطه نمود. در تحت این نگرش ساختار جهان نه نظام بین‌الملل بر دو بنیاد استوار بود: دارالاسلام و دارالکفر. براین اساس جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام نقش بسیار مهمی در این ساختار جدید

^۱- اعمال در قالب کنش و واکنش معنا می‌یابد که خود روابط خارجی را شکل می‌دهد. در واقع سیاست خارجی دو مرحله تدوین و اجرا دارد که سه جزء اول در مرحله تدوین قرار دارد و اعمال که همان کنش و واکنش در روابط خارجی می‌شود در مرحله اجرا معنی می‌یابد.

در عرصه سیاست خارجی داشت. زیرا در نظام اسلامی «سیاست خارجی انعکاسی از عقیده اسلامی است که حد و مرز نمی‌شناسد و در چارچوب بنیان‌های ملی، منطقه‌ای، نژادی یا جغرافیایی محصور نمی‌ماند بلکه رسالتی جهانی دارد» (قزوینی، ۱۳۷۴؛ ۶۷).

۲-۲- نیازهای داخلی

از مهم‌ترین نیازهای داخلی می‌توان بترتیب به نیازهای ایدئولوژیکی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی اشاره نمود. با توجه به شرایط انقلابی‌ای که در این دوره با توجه به جنگ تحمیلی بر فضای داخل کشور حاکم بود اساسی‌ترین نیاز در این رابطه یعنی نیاز ایدئولوژیکی نظام که باید توسط انقلابیون تحقق می‌یافت در اولویت قرار داشت. در این رابطه حمایت از ملت‌ها در زمینه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته بود.

۲-۳- نگرش نخبگان سیاسی از تهدیدها نسبت به ارزش‌های نظام

در این رابطه باید به نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده در جمهوری اسلامی ایران به تهدیداتی که نسبت به اصول ارزشی احساس می‌شد توجه نمود. در این خصوص تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم از سوی اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا و احیاناً کشورهای وابسته به این دو ابرقدرت به‌ویژه دولت‌های منطقه خاورمیانه در نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده نوعی تهدید و ناامنی برای نظام و ارزش‌های آن قلمداد می‌شد. در رابطه با سیاست‌های شوروی نیز با توجه به سابقه توسعه‌طلبی و حمایت از حزب توده و دارا بودن نظام الحادی نگرش‌های مقامات خصمانه بوده است به‌ویژه «بعد از اخراج هجده دیپلمات روسی از ایران و دستگیری نورالدین کیانوری در سال ۱۹۸۳ نگرش مقامات جمهوری اسلامی ایران نسبت به شوروی خصمانه گردید» (ریچارد هدمن، ۱۳۷۹؛ ۵۹). در این راستا با توجه به این که طی جنگ تحمیلی «ایران قسمتی از نیازهای خود را نظیر موشک‌ها

و تانک‌های روسی از طریق سوریه و لیبی با چشم‌پوشی کردن شوروی از این اقدام تأمین می‌نمود»، (همان؛ ۶۰) نمی‌توان گفت که در چارچوب سمت‌گیری نه‌شرقی نه‌غربی نگرش مقامات نسبت به مسکو بسیار خصمانه بوده است. به‌طور کلی با بررسی جریان‌های داخلی و اقدامات خارجی می‌توان گفت دو نگرش آرمان‌گرایانه و عمل‌گرایانه در دوره دوم متولد شده‌اند که نگرش عمل‌گرایانه در برخی اوقات بدلیل مصلحت نظام وجود داشت. در واقع در تحت این دو نگرش می‌توان گفت تصورات، ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌های شخصیتی افراد انقلابی در طرح نیازهای سیاسی و ایدئولوژیکی بسیار تأثیرگذار بوده است. به‌طور کلی ویژگی‌های فردی شخص در درک انتخاب سیاست خارجی بسیار حیاتی می‌باشد (استیو و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۴۲). در واقع باید استدلال کرد تا درجه قابل توجهی افراد تصمیم‌گیرنده در چارچوب شرایط تاریخی مجبور می‌شوند تصمیم‌های خاص بگیرند (برونینگ، ۱۳۹۲؛ ۵۰) و در این دوره ما شاهد بیشترین تأثیر از نظر درک تصمیم‌گیرندگان از تهدیدها نسبت به ارزش‌های نظام بوده‌ایم. هر چند به تدریج شکاف در میان مدعیان اصلی انقلاب یا همان حزب‌اللهی‌ها به دلیل سیاست‌های رادیکالی به وجود آمد.

۲-۴- وضعیت ژئوپلیتیکی

چهارمین و آخرین متغیری که می‌تواند در رابطه با استراتژی عدم‌تعهد دلیل انتخاب این استراتژی را به‌عنوان سمت‌گیری نه‌شرقی نه‌غربی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم توضیح دهد وضع جغرافیایی است. براساس وضع جغرافیایی هر چند اتحادی در چارچوب سازمانی مرکب از کشورهای منطقه شکل گرفته بود اما بعد ایدئولوژی سمت‌گیری عدم‌تعهد در چارچوب تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر نشانگر این بوده است که خصوصیات جغرافیایی چندان در سیاست خارجی این دوره مورد توجه نبوده است.

۲-۵- تعریف نقش‌های ملی در تعامل با متغیرهای چهارگانه در دوره دوم

نقش‌های ملی در دوره دوم در واقع به‌عنوان تصمیمات و تعهدات و وظایفی است که دولت جمهوری اسلامی ایران باید آن‌ها را اعمال می‌نمود و متحقق می‌ساخت. آرمان‌ها و اهدافی که در نظام انقلابی ایران ارائه شده‌اند اصول جهان شمولی و ایدئولوژیکی داشته و در تصمیمات سیاست خارجی و در چارچوب نقش‌های ملی نیز معنای خاص خود را یافت. براین‌اساس می‌توان در قالب نقش‌های ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از صدور انقلاب نام برد که پنج شاخصه برای آن متصور است که عبارتند از:

سنگر انقلاب و رهایی‌بخش^۱، حامی جنبش‌های رهایی‌بخش^۲، مدافع ارزش‌ها و اعتقادی خاص^۳، دولت سرمشق^۴، حافظ منطقه^۵.

۲-۶- تعریف اهداف در دوره دوم در تعامل با متغیرهای چهارگانه

به طور کلی اهدافی را که می‌توان در راستای تحقق اصول و اهداف این دوره متصور شد، به شرح ذیل برشمرد.

۱- تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام ۲- حمایت از مستضعفین بر علیه مستکبرین ۳- دفاع از حقوق مسلمانان ۴- دعوت ۵- حفظ استقلال و تمامیت ارضی

۲-۶-۱- قطعنامه ۵۹۸ و تغییر در اهداف سیاست داخلی و خارجی

پذیرش قطعنامه دو جهت را در عرصه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد: جهت اول در عرصه داخلی حکایت از علاقه امام (ره) به بقای

۱. Bastion of the Revolution

۲. Liberation supporter

۳. Defender of the daith

۴. Example

۵. Regional Protector

انقلاب بوده است که قطعنامه را با توجه به شرایط و مقتضیات موجود پذیرفته بودند و جهت دوم در عرصه خارجی و بین‌المللی تغییر در الگوهای رفتاری ایران را متجلی ساخته که هر دو جهت نشانگر غالب شدن نگرش جدید بر تصمیمات و رفتارها می‌باشد. برهمن اساس نگرش غالب بر کشور نگرش آرمان‌گرایی بوده که با توجه به اصول مورد نظر، این گروه سعی در پیاده نمودن آن در سطح منطقه و جهان را داشتند. نهایتاً قطعنامه ۵۹۸ در پی گزارشی که دبیرکل وقت سازمان ملل متحد آقای دکوئیار در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ به شورای امنیت ارائه نمود و در آن از اعضای شورای امنیت به‌ویژه از اعضای دائم درخواست کرد که برای خاتمه جنگ تلاش جدی کنند، صادر شد. (منصوری‌لاریجانی، ۱۳۸۰؛ ۲۱۴). به‌ترتیب سرانجام امام (ره) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را با توجه به گزارشات وزارت امور خارجه اعلام نمودند.

۳- روابط خارجی در دوره دوم متأثر از سمت‌گیری سیاست خارجی

باید گفت که سیاست خارجی منطقه‌ای ایران به‌طور کلی شامل دو منطقه خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد که در این رابطه اگرچه مسأله امنیت نفتی به‌دلیل نیاز به درآمدهای حاصله از آن مسأله مهمی به‌حساب می‌آید. می‌توان به چهار مؤلفه در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم که با جنگ نیز قرین بوده اشاره نمود:^۱

۱- همکاری و مشارکت نزدیک با برخی از کشورهای عضو جبهه پایداری عرب، این جبهه متشکل از کشورهای الجزایر، عراق، لیبی، یمن جنوبی، سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. به‌عنوان مثل

۱ - برای مطالعه این چهار مؤلفه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران، ر. ک. به: احتشامی، همان، صص ۷۴-۷۵

کمک‌های ایران به جنبش‌های لبنانی و فلسطینی و مخالفت با صدام حسین از سوی سوریه در راستای همکاری با سوریه قرار داشت.

۲- ایجاد رابطه اصولی و عمل‌گرایانه با ترکیه و پاکستان براساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و گسترش روابط اقتصادی ثمربخش. در این رابطه تشکیل سازمان همکاری اقتصادی اکو مهم‌ترین اقدام عمل‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود که از دو جهت یعنی از یک جهت در راستای اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر گسترش روابط با کشورهای همسایه، مسلمان و جهان سوم (شیخ‌حسینی، ۱۳۷۵؛ ۱۸) و از جهت دیگر به ایجاد توازن در مقابل سازمان‌های کشورهای عربی می‌توان تعبیر نمود.

۳- مخالفت با مواضع و گرایش‌های حاکمین عرب خلیج فارس و گروه اعراب میانه‌رو. در این رابطه می‌توان از کشورهایمانند مصر نام برد که از نظر رهبر انقلاب یک اسلام آمریکایی را به نمایش گذارده بود و به دلیل به رسمیت شناختن اسرائیل در کمپ دیوید مبعوض مقامات و رهبران ایرانی بوده که این امر در قطع ارتباط با این کشور در بعد از پیروزی انقلاب گویا می‌باشد (ایزدی، همان؛ ۱۱۳).^۱ در راستای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به روابط ایران با کشورهایمانند کنفرانس اسلامی هستند نیز باید اشاره نمائیم. در این رابطه ایران در سازمان کنفرانس اسلامی که پس از پیروزی

^۱ - یکی دیگر از مسائلی که در مورد منطقه‌ای ایران نسبت به مصر به آن اشاره نمود اقداماتی است که جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های مورد توجه در مصر مانند الجهاد نموده است. در خصوص روابط ایران با عربستان سعودی به‌عنوان یکی دیگر از کشورهای عرب میانه‌رو تیره شدن رابطه ایران و عربستان در سال ۱۹۸۷ که حدود ۴۰۰ زائر در مراسم برانت کشته شدند و از این تعداد ۲۰۵ نفر آن ایرانی بودند. شایان ذکر است در ایران رابطه خائنین حرمین به‌جای خادمین حرمین خواندن عربستان سعودی از سوی امام (ره) نیز حاکی از مخالفت با این کشور دارد.

انقلاب اسلامی آغاز شد چندان نقشی نداشته است. این وضعیت از یک سو ناشی از ماهیت اسلامی و ایدئولوژیکی انقلاب بوده که حفظ اصول و آرمان‌های

نظام جمهوری اسلامی در اولویت قرار داشته است و از سوی دیگر مواضع یک‌جانبه دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی در حمایت از دولت عراق بود که بر همین اساس ایران در دوره دوم در هیچ‌یک از اجلاس‌های سران سازمان یعنی تا سال ۱۹۸۷ شرکت نکرده است.^۱

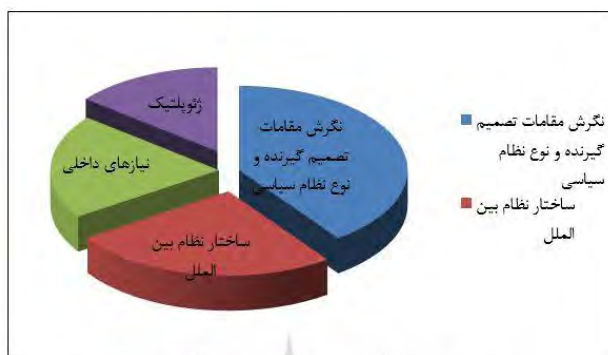
۴- مخالفت با کشور اسرائیل: اسرائیل به‌عنوان یک کشور غاصب و اشغال‌گر قلمداد می‌شود. در این رابطه برای مقابله با اسرائیل حمایت از جنبش‌های امل، امل اسلامی و حزب‌الله و برخی از جنبش‌های آزادی‌بخش دیگر در سیاست‌های خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. خلاصه این‌که در رابطه با سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌توان به دو مورد اشاره نمود:

الف) به دلیل اهداف ایدئولوژیکی نظام سیاسی «ملت‌ها» مورد خطاب ایران قرار گرفتند نه دولت‌ها. در این رابطه ایران موضع حمایت‌گرایانه را نسبت به جنبش‌های آزادی‌بخش به نمایش گذارد. به‌عنوان مثال می‌توان حمایت از فلسطینی‌ها با تأکید بر اصل تعیین سرنوشت و نامشروع دانستن موجودیت اسرائیل و مقابله با اسرائیل ارائه نمود. در این راستا کمک‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران بعد از واقعه صبرا و شتیلا در لبنان در سال ۱۹۸۲ و اعزام گروهی از سپاه پاسداران به منطقه مثبت این مدعاست.

^۱ - هر چند این سازمان یک سازمان قاره‌ای است چون تعداد زیادی از کشورهای آفریقایی و حتی کشور آلبانی که اروپایی است را دربر می‌گیرد اما تأکید بر روی مذهبی بودن ماهیت این سازمان است. در این رابطه ر. ک. به: گردآوری و تنظیم فرزاد ممدوحی، سازمان کنفرانس اسلامی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ص ۲۳۳

ب) اما منحصراً این امر به این مفهوم نیست که جمهوری اسلامی ایران هیچ ارتباطی با دولت‌ها نداشته است. برعکس همان‌طوری که گفته شد در چارچوب سیاست عمل‌گرایی رابطه با دولت‌ها تنها تابع مقتضیات بود که در این رابطه به رابطه بین سوریه و ایران می‌توان اشاره نمود. هر چند این ارتباط در کنفرانس امان در سال ۱۹۸۷ با ورود سوریه به این کنفرانس و قرار گرفتن در جرگه کشورهای عربی و محکوم نمودن ایران تیره گشت. هم‌چنین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای نظیر الجزایر، قطر، لیبی، عمان، روابطی را به‌ویژه در زمینه فروش سلاح‌های روسی به ایران برقرار نمود.^۱ به دلیل جنگ تحمیلی و ارائه شعار «جنگ جنگ تا پیروزی یا راه قدس از کربلا می‌گذرد» و نظیر این‌ها باعث گردید تا کشورهای منطقه ایران را به‌عنوان دشمن اصلی قلمداد نموده و فعالیت‌های خود را در مقابل ایران بسیج نمایند. هر چند در طول جنگ انشقاق‌هایی بین کشورهای منطقه به‌ویژه شیخ‌نشین‌ها در حمایت و مخالفت با ایران ایجاد گردید. به‌عنوان مثال عمان ایستار دوستانه‌ای در چارچوب مسائل تاریخی و ژئوپولیتیکی داشته است. در این رابطه در ضمن مصاحبه‌ای با یوسف‌بن‌علوی وزیر امور خارجه عمان روابط ایران و عمان را همیشه خوب دانسته و به این دوستی حدود سی سال پیش اشاره می‌کند و معتقد است که نقاط اشتراک و دیدگاه‌های همگونی داریم (فرهمند، ۱۳۸۰؛ ۷۶). در دوره دوم، متغیر نگرش‌های مقامات تصمیم‌گیرنده و نوع نظام سیاسی، ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، ژئوپلتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند که در نمودار شماره (۲) آمده است.

۱ - در رابطه با اجلاس سران اتحادیه عرب در امان ر. ک. به: احتشامی، همان، صص ۸۲-۸۳



نمودار (۲) وزن و اعتبار متغیرهای چهارگانه در دوره دوم

۴- دوره سوم حاکمیت عمل گرایان (۱۹۹۶-۱۹۸۸)، ۱۳۷۶-۱۳۶۸

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به سمت خط‌مشی عمل‌گرایانه‌ای تمایل یافت. این خط‌مشی بعد از روی کار آمدن آقای هاشمی‌رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری و آقای حامنه‌ای در مقام رهبری نظام هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی تحقق و تداوم یافت. در چارچوب این خط‌مشی در سلسله مراتب اهداف ملی در صحنه داخلی مسائل اقتصادی و نظامی و در صحنه خارجی، تنش‌زدایی و اتحاد با کشورهای منطقه در اولویت قرار گرفت.

۴- ساختار نظام بین‌الملل

تحت شرایط موجود قطب دیگر نظام بین‌الملل سعی نمود تا ساختار جدید نظام بین‌الملل را خود طرح‌ریزی نماید. لذا با روی کار آمدن جورج بوش و پس از جنگ دوم خلیج فارس که دشمن دیروز متحد امروز شد نظم نوین جهانی مطرح

گردید. در روند جدید کنش و واکنش در نظام بین‌الملل براساس قدرت نظامی جای خود را به رقابت‌های اقتصادی و وابستگی متقابل داد. و به‌نظر می‌رسد در نظم جهانی پس از جنگ سرد به‌ویژه در بُعد سیاسی و اقتصادی ایالات متحده بر جهان مسلط بوده و اروپای غربی، ژاپن و حتی روسیه به‌عنوان شرکای کوچک‌تر عمل می‌کنند. (امیراحمدی، ۱۳۷۱؛ ۱۴). در همین راستا جمهوری اسلامی ایران سعی نمود که با توجه به وضعیت جدید سیاست عمل‌گرایانه‌تری را در پیش بگیرد.

۴-نیازهای داخلی

در اتخاذ سمت‌گیری ائتلاف سه شاخصه مهم ایدئولوژیکی، اقتصادی و نظامی در چارچوب متغییر نیازهای داخلی مطرح می‌شوند که حاکی از تغییر در سمت‌گیری دولت قبلی نیز می‌باشد. زیرا در قالب دیدگاه ایدئولوژیکی، اولویت صدور انقلاب تغییر نمود. از نظر اقتصادی مسأله تمرکز اقتصاد در دست دولت جای خود را به خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی داد. و هم‌چنین پیامد جنگ تحمیلی مسائل نظامی را بعد از مسائل اقتصادی در اولویت قرار داد. اما به‌عنوان مهم‌ترین نیاز در استراتژی ائتلاف مسأله بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی بود و براین‌اساس اولویت اول در مسائل داخلی در این دوره توسعه اقتصادی اعلام گردید. ارجحیت توسعه اقتصادی نزد هاشمی رفسنجانی نقش تعیین‌کننده‌ای در اولویت یافتن این هدف در سیاست خارجی دوره سوم داشته است (دهقان فیروزآبادی، ۱۳۸۹؛ ۷۳).

۴-۲- وضعیت جغرافیایی

متغییر دیگر که در اتخاذ سمت‌گیری ائتلاف نقش مهمی را ایفا نموده وضع جغرافیایی و شکل‌گیری ژئوپلتیک جدید در منطقه شمالی و جنوبی بوده که در دوره سوم با روی کار آمدن آقای هاشمی رفسنجانی و به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) تغییرات شگرفی را در

سمت‌گیری «نه شرقی نه غربی» شاهد بودیم. در این رابطه به دلیل قرب جغرافیایی و به دلایلی نظیر تشابهات فرهنگی و اقتصادی در چارچوب سمت‌گیری جدید،

اتخاذ ائتلاف و روابط با کشورهای منطقه محور کار قرار گرفت. در قالب این استراتژی باید گفت که جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده در صدد ایجاد روابط با کشورهای مختلف برای تأمین نیازهای خود برآمدند. اما چون این کشورها از یک سو به دلیل این که از نظر سیاسی بی‌ثبات، از نظر اقتصادی^۱ محتاج و نیازمند و از نظر فرهنگی و اختلافات قومی و مذهبی و مسایل هویتی^۲ با مشکل مواجه بودند و از سویی دیگر به دلیل برخورداری از برخی امتیازات مانند ذخائر نفت و گاز متناهی که در این کشورها از جمله آذربایجان و ترکمنستان وجود داشته ایجاد روابط و گسترش آن با این کشورها با مشکلاتی مواجه گردید که منابع ناامنی و تهدید برای کشور محسوب می‌شد. با این‌همه نگاه به همسایگان شمالی در صدر سیاست خارجی منطقه‌ای ایران قرار گرفت. با تسری تحلیل فوق در چارچوب متغییر مذکور و سمت‌گیری جدید، همسایگان جنوبی نیز مورد توجه خاص قرار گرفتند. به‌عنوان یک اقدام مهم ایران خواستار عضویت در شورای همکاری خلیج فارس شد. هر چند این تقاضای عضویت با طرح ۲+۶ که مصر بانی آن بود و نظم خاورمیانه‌ای عربی را مطرح نمود، رد شد اما این اقدام حاکی از تغییر رفتار در سمت‌گیری قبلی سیاست خارجی بود زیرا با توجه به اختلافات سیاسی،

۱- برای مطالعه در این رابطه و وضعیت‌های بحرانی دیگر ر. ک. به: الهه کولایی (طبرستانی)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۶

۲- در این خصوص علاوه بر منبع قبلی ر. ک. به: محمدکاظم سجادیپور، گسستگی هویت در جمهوری‌های بازمانده از شوروی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ویژه هویت، سال چهارم، دوره دوم، شماره نهم، بهار ۱۳۷۴، صص

اقتصادی، ایدئولوژی و حتی اختلافات مرزی این تقاضا ارائه گردید و به نظر می‌رسد در این راستا مفهوم امنیت تعریف دیگر به خود گرفت. امنیت از یک طرف به دلیل حمله عراق به کویت معنی نظامی خود را غلیظ‌تر نمود و از طرفی بعد نرم‌افزاری امنیت یعنی به‌ویژه در همکاری با دولت‌های عرب در قالب بعد اقتصادی تبلور یافت.

۴-۳- تعریف نقش‌های ملی در دوره سوم و تغییر در شاخصه‌های آن در تعامل با متغیرهای چهارگانه

با توجه به این‌که کشور ایران یک کشور تأثیرگذار در منطقه و حتی جهان محسوب می‌شود در دوره سوم نقش‌های ملی متفاوتی را ایفا نموده است. این نقش‌های ملی که در دوره‌های قبل از آن‌ها نام برده شد در دوره سوم تغییراتی یافت و تحولاتی را به خود پذیرفت. به‌عنوان مثال مسأله صدور انقلاب را می‌توان ذکر نمود که به‌ویژه ایران «پس از خاتمه جنگ با عراق از انقلاب اسلامی در سراسر خلیج فارس کمتر صحبت کرده است» (فولر، همان؛ ۱۰۶-۱۰۷)، در واقع دیپلماسی گذشته ایران در چارچوب ابزارهای ترغیب و تهدید بوده است که از جمله می‌توان از تبلیغ آشکار اصول انقلابی، حمایت ایدئولوژیک، مالی، دیپلماتیک، روانی و لجستیکی از عناصر اسلامی در ممالک هم‌جوار از جمله آموزش نیروهای مخالف و کمک به آن‌ها، مبارزه‌جویی مستقیم با مشروعیت ایدئولوژیک حاکمان کشورهای خلیج فارس به‌خصوص آن‌هایی که قویاً از عراق حمایت می‌کردند و بهره‌گیری از اقلیت‌های شیعه را نام برد. موارد مذکور در واقع حکایت‌گر نقش ملی در بعد ایدئولوژیک و آرمان‌گرایی می‌باشد. اما با توجه به نگرش پراگماتیسمی دولت آقای رفسنجانی و تغییرات منطقه‌ای و جهانی نقش‌های ملی متفاوتی در سیاست خارجی ایران متجلی گشت. در واقع تصمیمات، تعهدات، اقدامات و وظایفی که دولت می‌بایستی با توجه به شرایط و مقتضیات جدید انجام می‌داد مورد توجه خاص قرار گرفت. این نقش‌های ملی در رابطه‌ای نزدیک با سمت‌گیری جدید یعنی

سمت‌گیری ائتلاف ارائه گردید. برخی از مهم‌ترین نقش‌های ملی ایران در دوره آقای هاشمی‌رفسنجانی به قرار زیر می‌باشد، با تغییراتی همراه بوده است:

- صدور انقلاب
- دفاع از اعتقادی خاص
- حمایت از حقوق مسلمانان
- تأکید بر ثبات و امنیت منطقه‌ای
- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای
- تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف
- حامی تقویت سازمان ملل متحد
- دولت میانجی و پیونددهنده
- نفی سلطه

۴-۴- شکل‌گیری اهداف ملی در تعامل با متغیرهای چهارگانه

در میان انواع هدف‌های ملی که به‌صورت هدف‌های مستقل و وابسته، اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت، ظاهری و واقعی، سازگاری و ناسازگار، هدف‌های متحد و متفرق، هدف‌های حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود تقسیم‌بندی می‌شوند (عبدالعلی قوام، ۱۳۷۲؛ ۱۱۳) می‌توان گفت که در دوره سوم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هدف‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بیش از دیگر اهداف مذکور مورد توجه قرار گرفته است هر چند می‌توان گفت که در عمل، دیگر اهداف جزئی، از اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به‌شمار می‌روند. به‌عنوان مثال هدف‌های مستقل را می‌توان به‌عنوان یکی از هدف‌های کوتاه‌مدت در نظر گرفت. به‌عنوان مثال عضویت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در راستای سمت‌گیری ائتلاف و هدف‌های کوتاه‌مدت قرار داشته است. به‌هرحال در چارچوب اهداف

کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت که عامل زمان، تخصیص منابع، به‌کارگیری تکنولوژی و حوزه عمل دخالت دارند (همان؛ ۱۱۵) هدف‌های کوتاه‌مدت توجه بیشتری را به‌ویژه در زمینه توسعه اقتصادی در بُعد داخلی به‌خود معطوف نمود. به‌عنوان مثال «سیاست‌های آزدسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی جانشین الگوی اقتصادی نامنظم و مختلط دهه قبل شد. این استراتژی هم‌چنین مشارکت گروه‌های خارجی به‌گونه دوجانبه و چندجانبه را در بخش خصوصی و دولتی به‌عنوان الگوی مناسبی برای بهبود مدل اقتصاد ایران در نظر گرفت. این امر در چارچوب برنامه اول توسعه اقتصادی ایران که برنامه‌ای پنج‌ساله بوده متحقق گردید» (احتشامی، همان؛ ۲۱). هم‌چنین تقویت توانایی‌های دفاعی ایران که به‌ویژه بعد از جنگ خلیج فارس مورد توجه قرار گرفت جزو هدف‌های میان‌مدت قلمداد می‌شود.

۵- روابط خارجی ایران در دوره سوم متأثر از سیاست خارجی

۵-۱- خاورمیانه، تأکید بر کشورهای عرب جنوب خلیج فارس

در رابطه با سیاست خارجی منطقه‌ای ایران دو منطقه شمالی و جنوبی، بیش از مناطق دیگر مورد توجه قرار گرفته است. که ابتدا مباحث مربوط به منطقه جنوبی را با توجه به موضوعاتی چون اعاده نظم و ثبات، امنیت دسته‌جمعی و رقابت تسلیحاتی پی می‌گیریم و سپس به منطقه شمالی تحت عنوان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خواهیم پرداخت.

۵-۱-۱- اعاده نظم و ثبات

وجود اختلافات سرزمینی اعم از مرزی و ارضی با کشورهای عرب خلیج فارس که یکی از مهم‌ترین عوامل ساختاری منازعه میان ایران با این کشورها محسوب می‌شود پس از انقلاب و در ادامه مسیر انقلاب (Kemp, Harkavy, 1997: 90-100) نیز توسط کشورهای بزرگتر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که سعی در غلیظ کردن این دشمنی‌ها و منازعات داشته، ادامه یافت. مانند مساله مالکیت بر سر جزایر سه‌گانه

که عراق این مسئله را مطرح و در اوایل دهه ۱۹۹۰ به یک بحران در روابط ایران و امارات انجامید (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶). اما همچنین ایجاد ثبات و آرامش و

همکاری در جهت حل مسائل مورد اختلاف نیز مورد توجه مقامات تصمیم گیرنده جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. در ادامه پیام خود تلاش برای برقراری امنیت و ثبات و آرامش را حرکتی مطلوب از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران قلمداد نموده و تأکید داشتند که لازمه دستیابی به چنین ثباتی همکاری کشورهای منطقه با یکدیگر به ویژه در زمینه منابع نفت و گاز می باشد (پیام ریاست جمهوری اسلامی رفسنجان، ۱۳۷۰: ۸۱۴-۸۱۳). ولایتی وزیر امور خارجه وقت نیز با توجه به آغاز برنامه های بازسازی در جمهوری اسلامی ایران بعد از پایان جنگ هشت ساله تحمیلی عراق بر علیه ایران و اعلام آتش بس و ارائه سیاست همکاری منطقه ای در کنفرانس بین المللی خلیج فارس در پاییز سال ۱۳۶۸ به این نکته مهم اشاره نمودند که « در سایه همکاری های منطقه ای است که می توان از اعمال نفوذ خارجی در منطقه کاست و حضور آنها را کاهش داد» (سخنرانی علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰: ۸۱۹).

یکی از مسایلی که در چارچوب اعاده ثبات و نظم در منطقه در قالب اهداف ملی به آن توجه شده مسأله «امنیت نفتی» می باشد. با توجه به اهمیت استراتژیک این انرژی، حیات جمهوری اسلامی ایران وابسته به درآمدهای حاصل از فروش انرژی نفت بوده لذا با توجه به این که از یک طرف تأثیر تولیدکنندگان غیراوپک و بازار جهانی که میزان عرضه و حدود قیمت نفت را تحت تأثیر قرار می دادند (هاشمی، ۱۳۶۸: ۶۱) و از طرف دیگر کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) از جمله عربستان سعودی اغلب در راستای خواسته های بازیگران بین المللی نظیر آمریکا گام برمی داشتند.

۵-۱-۲- امنیت دسته‌جمعی

با رجوع به تاریخ روابط ایران با کشورهای منطقه برای ایجاد نظام‌های امنیتی نظیر پیمان بغداد، سنتو، آرسی دی و ... به نظر می‌رسد برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه نقش ایران به‌عنوان یک کشور استراتژیک غیرقابل‌انکار می‌باشد. «در واقع ایران ستون اصلی امنیت منطقه محسوب می‌شود» (انصاری دزفولی، ۱۳۷۲: ۲۳). براین‌اساس و در چارچوب تحول در خط‌مشی عمل‌گرایانه ایران و اتخاذ سمت‌گیری ائتلاف و با توجه به شرایط نوین منطقه‌ای و جهانی که با شکست عراق توسط نیروهای غربی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا و با فروپاشی نظام دوقطبی به‌وقوع پیوست می‌توان گفت یکی از اولویت‌های ایران در منطقه خلیج فارس، ایجاد وحدت و گسترش همکاری‌ها در چارچوب یک سازمان یا پیمان منطقه‌ای با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس بویژه پس از جنگ عراق بر علیه کویت بود اما این اقدام ایران از دو جهت عقیم ماند. از یک طرف «کشورهای عربی متشکل از اعضای شورای همکاری خلیج فارس و مصر و سوریه طی اعلامیه‌ای که در ماه مارس ۱۹۹۱ در دمشق منتشر شد اعلام کردند از آن پس در خصوص تقویت امنیت کشورهای خلیج فارس با یکدیگر همکاری خواهند کرد که در واقع تلاش ایران را برای عضویت در شورای همکاری خلیج فارس عقیم گذارد. هر چند پس از مدتی در چارچوب اعلامیه دمشق با توجه به توافق‌های دوجانبه در زمینه همکاری دفاعی با ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و فرانسه در چارچوب این شورا هیچ کار بنیادینی صورت نگرفت» (تریپ، ۱۳۷۵: ۱۱۴). که این امر خود ما را متوجه جهت دوم می‌نماید مبنی بر این‌که «وابستگی نظامی شورای همکاری به ایالات متحده با تمایل فزاینده ایران

به همکاری با یک شورای متکی به خود در تعارض بود» (امیراحمدی، ۱۳۷۱: ۱۱-۱۲).

۵-۱-۳- مسابقه تسلیحاتی

هر چند جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تحمیلی چندان از نظر تسلیحات نظامی مجهز نبود و «در دوره پس از جنگ هنوز تأکیدی بر تقویت بنیه نظامی خود نداشت، اما پس از حمله عراق به کویت و جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ ایران شروع به بازاندیشی در استراتژی دفاعی خود کرد». (امیراحمدی، ۱۳۷۱: ۱۰). با توجه به این گفته هاشمی رفسنجانی که «در طول جنگ بیش از نیمی از درآمد کشور صرف هزینه‌های جنگی گردیده است» (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۴۵). موسوی نخست‌وزیر وقت نیز به‌زودی پس از پایان جنگ تأکید نمود که وظیفه اصلی دولت وی تقویت ساختاری نیروهای دفاعی می‌باشد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۴۴). در اولین برنامه توسعه پنج‌ساله دولت مجموعاً در حدود ۱۰ میلیارد دلار برای هزینه‌های مربوط به مسائل نظامی اختصاص یافت. این امر بیانگر آن بود که ۲ میلیارد دلار هزینه نظامی برای هر سال در نظر گرفته شده است (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۴۳) در حالی که اگر نگاهی به واردات نظامی کشورهای عربی از جمله عراق و عربستان سعودی بیندازیم ملاحظه خواهیم کرد که این واردات به ترتیب تا سطح ۱۰/۳ میلیارد و ۱۰/۶ میلیارد دلار در سال‌های ۹۱-۱۹۸۹ جهش داشت (امیراحمدی).

۵-۲- کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل جامعه کشورهای مشترک‌المنافع (CIS) و بطور کلی استقلال کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی و قفقاز تأثیر ایران محرز بود و می‌توانست بعنوان تأمین کننده امنیت و برعکس تهدید کننده این

کشورها باشد (دموند هرزیگ، ۱۳۷۵؛ ۹). در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین موضوعات کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در این شرایط شامل موارد زیر بود:

۱- جایگاه و نقش روسیه ۲- ورود بازیگران جدید منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی ۳- شکل‌گیری جدید موازنه قدرت ۴- بیداری و آگاهی مردم کشورهای تحت سلطه شوروی و توجه مجدد به مسئله قومیت که منافع ملی را در این کشورها دچار چالش می‌کرد. ۵- ناآگاهی و بی‌تجربه بودن حاکمان تازه به قدرت رسیده در این کشورها. ۶- وجود منابع عظیم زیرزمینی بویژه نفت و گاز (krenitsky, 2001; 20-21).

ایران نیز با توجه به این تغییر عظیم و با توجه به فرصت‌هایی که پیش‌روی آن قرار گرفت ملزم گردید تا تغییراتی را در سیاست‌های اصولی خود به‌وجود آورد. در این رابطه هر چند سیاست‌ها از زمان بر سر کار آمدن گورباچف مشهود بود اما دولت پراگماتیست هاشمی رفسنجانی «نگاه به شمال» را در چارچوب سمت‌گیری اتحاد برگزید و به‌طور کلی نقطه آغاز روابط با شوروی ملاقات هاشمی رفسنجانی در ژوئن ۱۹۸۹ و در پی آن انعقاد قرارداد اقتصادی ده‌ساله و همکاری‌های نظامی به ارزش شش میلیون دلار بود (Rothenburg, 1992; p.1).



نمودار (۳) وزن متغیرهای چهارگانه در دوره سوم

در میان این متغیرها، متغیر نیازهای داخلی، ساختار نظام بین الملل، نگرش مقامات تصمیم گیرنده و ژئوپلیتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

۶- بررسی فشرده و مختصر در تطبیق دوره‌های دوم و سوم

بطور کلی در دوره مورد بحث سمت‌گیری عدم تعهد یا نه‌شرقی‌نه‌غربی در بُعد ایدئولوژیکی و فقهی مورد توجه قرار گرفت. که این امر هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی نمود یافت. در سطح داخلی اصل نه‌شرقی‌نه‌غربی جمهوری اسلامی بنا بر نظر امام خمینی (ره) مرکب از جمهوری با احکام اسلام است (صحیفه نور، ۲۲۳) و نظامی سیاسی و فرهنگی است که قوانین سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی را در چارچوب موازین اسلامی ارائه نماید که این خود به معنای جایگزین نمودن حکومت اسلامی به جای حکومت طاغوتی است که وابسته به نظام سرمایه‌داری غرب بوده است.

به‌هر حال آنچه در چارچوب سیاست خارجی در دوره دوم مورد توجه قرار گرفت و در روابط خارجی اجرا شد. بُعد فقهی مسائل و حفظ دارالاسلام به‌عنوان یک امر تکلیفی در سطوح داخلی و خارجی بود. در واقع باید گفت مبنای سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در دوره دوم براساس مبانی فقهی و اعتقادی گذارده شد. برای اثبات این مدعا اگر به اصل نه‌شرقی نه‌غربی جمهوری اسلامی توجه نماییم جایگاه فقهی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران روشن می‌شود. چرا که اصل «نه‌شرقی نه‌غربی» نشأت گرفته از اصلی در اعتقادات است و این اصل یکی از مصادیق مستحده نفی سبیل می‌باشد (قادری، ۱۳۶۵: ۲۲۹). شایان ذکر است که سمت‌گیری عدم‌تعهد در دو بُعد سیاسی و ایدئولوژیکی مطرح می‌شود و همان‌طوری‌که گفته شد سمت‌گیری سیاست خارجی در دوره دوم اغلب براساس عدم‌تعهد بوده که در بُعد ایدئولوژیکی معنا می‌یافت.

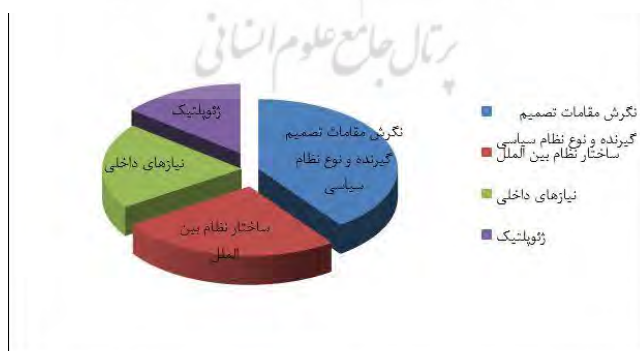
جدول (۱): متغیرهای چهارگانه در دوره دوم و شاخصه‌های آن: آرمان‌گرایان ایدئولوژی محور

ساختار نظام بین‌الملل	نیازهای داخلی	درک و نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده	ژئوپلتیک
نظام سلطه	ایدئولوژیک	خصمانه	اعتباری بودن تقسیمات جغرافیایی
تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالکفر	حفظ نظام اسلامی و نورمهای ارزشی	شیطان بزرگ نامیدن آمریکا	
ام‌القرآ بودن ایران		آرمانگرایانه و عملگرایانه بودن	
رسالت جهانی نظام اسلامی ایران		ارزش‌های نظام	
		اجرای دستورات الهی	

جدول (۲): اجزای سیاست خارجی در دوره دوم و شاخصه‌های آن

سمت‌گیری‌ها	نقش‌های ملی	اهداف و منافع ملی	اعمال و روابط خارجی
عدم تعهد در بُعد ایدئولوژیکی	رادیکالی	ایدئولوژیکی (کوتاه مدت)	چراغ سبز آمریکا به عراق
	صدور انقلاب	حمایت از مستضعفان	تشکیل شورای همکاری خلیج فارس
	حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش	دفاع از حقوق مسلمانان	عدم توجه به اقدامات دولتها و سازمان‌های بین‌المللی
	سنگر انقلاب	تلاش در جهت برقرار حکومت جهانی اسلام	تشکیل اکودر ۱۹۸۵ با کشورهای غیرعرب
	مدافع اعتقادی خاص	دعوت	بازسازی محیط منطقه و جهان
	ایجاد جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی	حفظ استقلال و تمامیت ارضی	
	تشویق و حمایت از جنبش‌های اسلامی		
	مخالفت با اسرائیل		

در دوره دوم متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی بصورت نمودار (۴) ترسیم می‌گردد. در میان این متغیرها، متغیر نگرش‌های مقامات تصمیم‌گیرنده و نوع نظام سیاسی، ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، وضعیت ژئوپلیتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند.



نمودار (۴): میزان اهمیت و وزن متغیرهای تأثیرگذار در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم

در دوره سوم متغیرهای چهارگانه با تأکید بر نیازها و فشارهای داخلی ناشی از پیامدهای جنگ تحمیلی به صورت توسعه اقتصادی موجب شد نقش‌های ملی در این دوره تغییر و تحولات متعددی را به خود بگیرد از جمله صدور انقلاب که رئیس‌جمهور وقت هاشمی‌رفسنجانی اظهار داشتند ما چیزی به نام صدور انقلاب نداریم. بر این اساس در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، با تغییر الگوی رفتاری مواجه هستیم که به ویژه نمود این اقدام را در کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس در ۱۳۶۸ در تهران می‌توان ملاحظه کرد. باید گفت تنش‌زدایی و ایجاد روابط متعدد دوجانبه، سه جانبه و چندجانبه از مهم‌ترین ویژگی‌های روابط خارجی این دوره بشمار می‌رود. در این راستا از نظر خاتمی اصل تنش‌زدایی و صلح بین‌المللی یک اصل جدی بوده و نظام دیپلماسی را براساس همین اصل یعنی تنش‌زدایی و صلح بین‌المللی می‌دانست (خاتمی، ۱۳۷۹؛ ۴۸-۴۷). خاتمی امنیت و ثبات را برپایه سیاست تنش‌زدایی دانسته و آن را یک سیاست راهبردی تعریف نمود (خاتمی، ۱۳۸۰؛ ۱۳۱-۱۳۰). همچنین در صحنه داخلی نیز خاتمی معتقد بود هرچه تنش میان کشورها کاهش یابد زمینه برای پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این جامعه افزایش خواهد یافت (خاتمی، ۱۳۸۰؛ ۱۶۵). در همین رابطه کمال خرازی وزیر امور خارجه وقت با توجه دادن به ضرورت جلوگیری از تنش در روابط بین‌المللی معتقد بود که با گفتگو، تعامل و تسامح می‌توان به اعتلای جامعه بشری امید داشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲؛ ۳-۴).

سیاست ائتلاف‌گرای جمهوری اسلامی ایران در قالب دیدگاه چندجانبه‌گرای ایران موجب شد تا ایران علاوه بر تلاش برای پیشبرد روابط دوجانبه با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، همکاری‌های چندجانبه را نیز پی‌گیری نماید. این دیدگاه زمینه ایجاد همکاری‌های سه جانبه میان ایران و برخی کشورهای منطقه و خارج از منطقه را فراهم ساخت. ایجاد و پیشبرد همکاری سه جانبه ایران-

ارمنستان- ترکمنستان، ایران- ارمنستان- یونان، ایران- ترکمنستان- هند، ایران- گرجستان- ارمنستان و ایران - اوکراین- ارمنستان در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی بیانگر تلاش ایران در این زمینه است.

به عنوان مثال همکاری سه جانبه ایران- ارمنستان- یونان در مقابل ائتلاف آذربایجان - ترکیه- گرجستان شکل گرفت یا همکاری بین ایران - ترکمنستان و هند که عمدتاً با هدف ترانزیت کالاهای هندی و ترکمنی از خاک ایران شکل گرفت (مرادی، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۲).

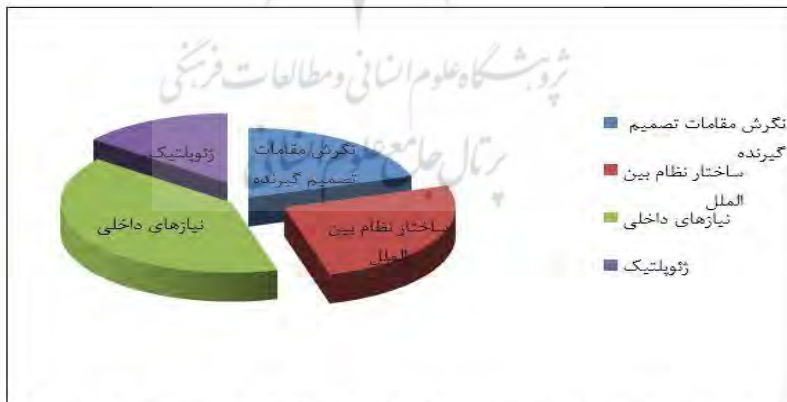
جدول (۳): متغیرهای چهارگانه با شاخصه‌های آن در دوره سوم: عملگرایان مصلحت محور

ساختار نظام بین‌الملل	نیازهای داخلی	درک و نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده	ژئوپلیتیک
دوقطبی	اولویت توسعه اقتصادی	عملگرایان مصلحتی	اهمیت اقتصادی مناطق
تک قطبی	خصوصی سازی	(می‌دانم ولی مصلحت نیست که بگویم)	بخش مرکزی
تک- چندقطبی	تعدیل اقتصادی	منافع ملی و ارزش‌های اسلامی	توجه به بخش پیرامونی
توجه به نظام بین‌الملل	برنامه‌های پنج ساله اقتصادی اول و دوم		در شمال و جنوب
هم شمال - هم جنوب			

جدول (۴): اجزای سیاست خارجی یا شاخصه‌های آن در دوره سوم

سمت‌گیری‌ها	نقش‌های ملی	اهداف و منافع ملی	اقدامات و روابط خارجی
اتحاد	تقویت همکاریهای منطقه‌ای	اولویت مسائل اقتصادی و نظامی	روابط با اروپا
روابط دو جانبه، سه جانبه و چند جانبه	صدور انقلاب (بلند مدت)	ایجاد روابط و گسترش مراودات تجاری و اقتصادی	گفت‌وگوی فراگیر و سازنده آشنی‌جویی با دولت‌های خلیج فارس
تش زدایی	حمایت مصنوعی از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی	بازسازی کشور (کوتاه مدت)	تشکیل گروه دریای خزر
	تأکید بر حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات	ساخت بنیادهای نظامی (میان مدت)	گسترش اکتو
	حامی تقویت سازمان ملل متحد	پس از جلسه دوم خلیج فارس	همکاری با اعضای اوپک
	دولت میانجی		همکاریهای امنیتی با کشورهای منطقه
			پیشنهاد عضویت در شورای همکاری خلیج فارس
			انعاده نظم و ثبات
			آمریکا (سیاست مهار دو جانبه)

بر این اساس در دوره سوم متغیرهای تأثیرگذار بر روابط خارجی بصورت نمودار (۵) ترسیم می‌گردد. در میان این متغیرها، متغیر نیازهای داخلی، ساختار نظام بین‌الملل، نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده و ژئوپلیتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند.



نمودار (۵): میزان اهمیت و وزن متغیرهای تأثیرگذار بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سوم

بطور کلی روابط خارجی متفاوت جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم یعنی حاکمیت آرمانگرایان ایدئولوژی محور با دوره حاکمیت عمل‌گرایان متأثر از وزن متفاوت چهار متغیر اساسی ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، نگرش نخبگان تصمیم‌گیرنده سیاسی و ژئوپلیتیک در این دو دوره است. در واقع وزن متفاوت این چهار متغیر و ترتیب اولویت متفاوت در این دو دوره، منجر به تعریف متفاوت نقش‌ها و اهداف ملی در این دو دوره شده است. در نهایت از آنجایی که تعریف نقش‌ها و اهداف ملی منجر به سیاست خارجی و در نهایت مشخص شدن مرزهای روابط خارجی خواهد شد، تعریف متفاوت نقش‌ها و اهداف ملی منجر به تفاوت اساسی در روابط خارجی این دو دوره شده است. در دوره دوم نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده نسبت به نظام بین‌الملل و تهدیدها بدینانه بود و در نتیجه غرب و شرق را به عنوان یک تهدید اساسی تلقی می‌نمودند. همچنین در مرحله بعدی ساختار نظام بین‌الملل به صورت دو قطبی اداره می‌شد و جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام با مفاهیمی همچون دارالاسلام و دارالکفر در مقابل این ساختار قرار داشت. همچنین نیازهای داخلی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نیازهای ایدئولوژیکی بود هر چند که متغیر ژئوپلیتیک کمترین تاثیرگذاری را بر تعریف نقش‌ها و اهداف ملی داشته است. در همین راستا متغیر نگرش‌های مقامات تصمیم‌گیرنده و نوع نظام سیاسی، ساختار نظام بین‌الملل، نیازهای داخلی، و ژئوپلیتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

در دوره سوم، با توجه به تغییرات در وزن و تاثیرگذاری متغیرهای اساسی در تعریف نقش و اهداف ملی، روابط خارجی متفاوتی از دوره دوم را شاهد هستیم. در واقع با پایان جنگ تحمیلی متغیر نیاز داخلی در قالب نیاز به بازسازی اقتصادی تنش‌زدایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را ایجاب می‌نمود. از طرف دیگر ساختار نظام بین‌الملل از دو قطبی به تک قطبی و همچنین نگرش تصمیم‌گیرندگان

سیاسی نسبت به تهدیدها در نظام بین‌الملل نسبت به دوره قبل تغییر کرده بود. در واقع در میان این متغیرها، متغیر نیازهای داخلی، ساختار نظام بین‌الملل، نگرش مقامات تصمیم‌گیرنده و ژئوپلتیک به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

منابع

۱. احتشامی. انوشیروان، (۱۳۷۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، ابراهیم متقی. زهره پوستین چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. استیو. اسمیت، امیلیا. هدفیلد، تیم دان، (۱۳۹۵)، سیاست خارجی؛ نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیرمحمد یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. جلد اول.
۳. امیراحمدی. هوشنگ، (۱۳۷۴)، ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالش‌های برنامه دوم، ماهنامه سیاسی و اقتصادی، سال نهم، شماره هفتم و هشتم.
۴. امیراحمدی. هوشنگ، (۱۳۷۱)، نظم نوین جهانی، جنگ خلیج فارس و تلاش ایالات متحده آمریکا برای رهبری جهانی، سال ششم، شماره هفتم و هشتم.
۵. ایزدی. بیژن، با همکاری حسین صالحه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱.
۶. برونینگ. ماریجک، (۱۳۹۲)، نگاهی نو به سیاست خارجی مقایسه‌ای، مترجم: عسگر قهرمان پوربناب، تهران: نشری میزان.
۷. تریپ. چالز، (۱۳۷۵)، سازمان‌های منطقه‌ای در خاورمیانه هری، مسعود اسلامی، ماهنامه سیاسی و اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم.
۸. جعفری ولدانی. اصغر، (۱۳۷۸)، ایران و اروپا از گفتگوی انتقادی تا مشارکت اقتصادی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، ویژه اروپا (۲).
۹. دهقانی فیروزآبادی. جلال، (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۱۰. شیخ حسینی. کامبیز، (۱۳۷۵)، اکو: یک دیدگاه منطقه‌ای، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. فرهنگد. مهرداد، (۱۳۸۰)، پلی بر فراز خلیج فارس: گفت‌وگوی اختصاصی همشهری با یوسف بن علوی وزیر امور خارجه عمان، ضمیمه روزنامه همشهری، سال اول.
۱۲. فولر. گراهام، (۱۳۷۷)، قبله عالم (ژئوپلیتیک ایران)، عباس منخبر، تهران: مرکز، چاپ دوم.
۱۳. قزوینی. علی، (۱۳۷۴)، بحثی درباره سیاست خارجی اسلام: پژوهشی در بعد فقهی سیاست خارجی ایران، فصل‌نامه سیاست خارجی، شماره اول.
۱۴. قوام. عبدالعلی، (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، چاپ دوم.
۱۵. منصوری‌لاریجانی. اسماعیل، (۱۳۸۰)، تاریخ دفاع مقدس، تهران: اسلیمی.
۱۶. هاشمی رفسنجانی. علی‌اکبر، (۱۳۶۸)، فصلنامه سیاست خارجی، سال سوم، شماره سوم، مهر و آذر ۱۳۶۸.
۱۷. هاشمی‌رفسنجانی. علی‌اکبر، (۱۳۶۸)، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال سوم، شماره سوم.
۱۸. هالستی. کی جی، (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

19. Belokrenitsky, V. (1994), "Russia and Greatercentral Asia," Asia survey, 34.
20. Ehteshami. Anoushirvan, (2006), The middle East Ideology and Geo-politic, London, Pout Ledge.
21. Kem P.G, Harkavy. R, (1997), Trategic Geography and the Changing middle east, cargie Endowment for internation peace.
22. Rothenburg. Michael, (1992), Russian and Iran: A continuing security Relation ship, science Applications in tevnational corporation (saic), foreign systems research center, mclean, va, analytic